



آغاز غزوه بنی مصطلق در سال پنجم هجری قمری

بنی مصطلق، که طایفه ای از قبیله خزاعه بودند، در ناحیه "فُرع" اقامت داشته و با طایفه "بنی مُدلیج" هم پیمان بودند...

بنی مصطلق، که طایفه ای از قبیله خزاعه بودند، در ناحیه "فُرع" اقامت داشته و با طایفه "بنی مُدلیج" هم پیمان بودند. رئیس طایفه بنی مصطلق، "حارث بن اُبی ضرار" بود. وی پس از آن که از اقامت رسول خدا(ص) در مدینه و تشکیل حکومت اسلامی در این منطقه باخبر شد، بسان سایر بزرگان شرک و کفر، نسبت به ریاست و حاکمیت قبیله ای خویش، احساس خطر نمود و در صدد دشمنی و مبارزه با این دین جدید برآمد. وی علاوه بر مردان جنگجوی قبیله خویش، مردان بسیاری از طوایف هم پیمان و هم جوار خویش را گرد آورد و ساز و برگ جنگی آنان را فراهم کرد و قصد هجوم به مدینه را نمود. این خبر به اطلاع پیامبر(ص) رسید و آن حضرت، یکی از یاران خود به نام "بریده اسلمی" را برای تحقیق و تفحص به سوی بنی مصطلق روان کرد، تا اطلاع کافی و وافی از تعداد دشمن و ساز و کار آنان به دست آورد.

بریده اسلمی مأموریت خود را به نیکی انجام داد و تمام اطلاعات بدست آمده از بنی مصطلق را در اختیار پیامبر(ص) گذاشت. آن حضرت با سی نفر سواره نظام (که بیست نفر از مسلمانان انصار و ده نفر از مهاجرین بودند) در دوم شعبان سال پنجم و به روایتی سال ششم قمری به سوی ناحیه محل سکونت بنی مصطلق حرکت کرد.

برخی از رزمندگان اسلام در این غزوه عبارت بودند از: امام علی بن ابی طالب(ع)، عمار بن یاسر، مقداد بن عمرو، سعد بن معاذ، زبیر بن عوام، ابوبکر بن ابی قحافه، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، طلحه بن عبیدالله، اسید بن حضیر، ابوعبس بن جبر و ...

واقفی، صاحب کتاب ارزشمند "المغازی" گفت: و خرج مع رسول الله صلی الله علیه و سلم بشر کثیر من المنافقین لم یخرجوا فی غزاه قطّ مثلها، لیس بهم رغبه فی الجهاد الاّ أن یصیوا من عرض الدّینا و قرب علیهم السفر.

یعنی: تعداد زیادی از منافقان به همراه رسول خدا(ص) در این غزه شرکت نمودند. در حالی که آنان در هیچ غزوه ای به مانند این غزوه با رسول خدا(ص) حرکت نمی کردند. آنان هیچ رغبتی به جهاد نداشته و ندارند، مگر این که احساس کنند که به مال دنیا و غنیمت جنگی در سفری کوتاه (و بدون مشکلات خاصی) دست یابند.

به هر روی پیامبر(ص) در مکانی به نام "مریسیع" که چشمه آبی در آن حوالی بود، فرود آمد و از همسران آن حضرت، امّ سلمه و عایشه همراهش بودند. در آن جا پیامبر(ص) به مقدار کافی آب ذخیره کرد و سپاهیان را در دو دسته رزمی صف بندی نمود و به سوی دشمن حرکت کرد.

دشمنان اسلام که از هیبت و شکوه سپاه اسلام، دچار ترس و وحشت شده بودند، معرکه را ترک کرده و به بیابان ها گریختند و تنها قوم بنی مصطلق باقی ماندند.

میان مسلمانان مبارز و قوم بنی مصطلق، درگیری آغاز شد و طرفین به نبردی سنگین پرداختند. در این غزوه، دلیری و دلاوری مردی امام علی بن ابی طالب(ع) دیدنی و مثال زدنی بود و پس از او مردانی چون عمار، مقداد و زبیر.

اما ساعتی نگذشت که دشمن زبون، متحمل شکست گردید و با دادن ده کشته، از جمله کشته شدن حارث بن اُبی ضرار، پرچم پیروزی اسلام برافراشته شد و دویست تن از مردان، زنان و کودکان اسیر شده و اموال و دارایی های فراوانی به غنیمت سپاه اسلام درآمد.

از مسلمانان، تنها یک نفر در این غزوه به شهادت رسید.

پس از پایان جنگ و تقسیم غنائم و اسیران، "جویریة بنت حارث بن ابی ضرار"، که زنی فهیم و خوش زبان بود، نصیب یکی از رزمندگان اسلام شد و بنا به درخواست خود وی، پیامبر اسلام(ص) وی را از آن مسلمان خرید و در راه خدا آزاد کرد و سپس با وی ازدواج نمود و به میمنت این ازدواج، تعداد یکصد تن از زنان و کودکان، آزاد شدند.

عایشه در این باره گفت: فأعتق مأة اهل بیت بتزویج رسول الله صلی الله علیه و سلم ایّاه، فلا أعلم امرأه أعظم برکه علی قومها منها. گفتنی است که در همین غزوه، داستان افک و تهمت ناروا به عایشه به وقوع پیوست و قرآن مجید در آیه 11 سوره نور(24) آن را تکذیب نمود.